

## فهرست مطالب



- ماده ۱- ضرورت جبران خسارت ..... ۱۵
- ماده ۲- ترمیم عینی زیان ..... ۱۲۱
- ماده ۳- کیفیت تدارک خسارت ..... ۱۲۷
- ماده ۴- موارد احصایی اعطای تخفیف ..... ۱۳۹
- ماده ۵- مسئولیت ایراد آسیب به بدن یا سلامتی یا تقلیل موفقیت کار ..... ۱۷۱
- ماده ۶- مسئولیت ضمنی جبران خسارت ..... ۱۹۵
- ماده ۷- مسئولیت مقصر در نگهداری یا مواظبت از مجنون یا صغیر ..... ۲۰۳
- ماده ۸- مسئولیت ناشی از تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع ..... ۲۳۷
- ماده ۹- مسئولیت اعمال حیله یا تهدید و یا سوءاستفاده از زیردستی دختر ..... ۲۴۳
- ماده ۱۰- جبران لطمه وارده به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی ..... ۲۵۳
- ماده ۱۱- مسئولیت شخصی کارمندان ..... ۲۶۳
- ماده ۱۲- مسئولیت کارفرمایان مشمول قانون کار ..... ۳۰۷
- ماده ۱۳- مسئولیت بیمه در قبال اشخاص ثالث ..... ۳۴۷
- ماده ۱۴- مسئولیت تضامنی جبران متقابل ..... ۳۶۷

- ماده ۱۵- ضرورت تناسب دفاع و خسارت در دفاع مشروع..... ۳۷۹
- ماده ۱۶- مجری قانون..... ۴۰۳
- ضمیمه..... ۴۰۵
- فهرست منابع و مآخذ..... ۴۲۱

avabook.com

ماده ۱- هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

۱- مهمترین منابع در قسمت مسئولیت‌ها، الزامات حاصله بدون قرارداد و ضمان قهری عبارتند از:

۱- قانون اساسی:

این قانون، اصل مسئولیت اشخاص را پذیرفته، تقصیر مقصر و جبران زیان معنوی در مقابل زیان مادی را نیز مورد توجه قرار داد. به عنوان مثال در اصل ۱۷۱ ق.ا، هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر ضمانت شناخته شده است و الاً با احراز عدم قصور، پیش‌بینی شده که خسارت به وسیله دولت جبران شود.

۲- قانون مدنی:

مهم‌ترین و قدیمی‌ترین قانون موجود در ایران، ق.م است که خود شامل:

الف- مواد ۲۲۶ تا ۲۳۰ ق.م در خسارات ناشی از عدم انجام تعهدات.

ب- الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می‌شوند: (مواد ۳۰۱ تا ۳۰۶) شامل قواعد تصرفات بدون استحقاق و دارا شدن غیرعادلانه، ایفای ناروا و اداره مال غیر.

ج- ضمان قهری مواد ۳۰۷ تا ۳۳۷ ق.م شامل غصب (حقیقی و حکمی)، اتلاف (از بین بردن مال دیگری به صورت مباشرتی)، تسبیب (از بین بردن مال با واسطه) و استیفاء (استفاده از کار یا مال دیگری بدون وجود رابطه حقوقی)

د- علاوه بر موارد فوق که منحصر به مسئولیت و ضمان می‌باشد، در سایر قسمت‌ها نیز مانند بیع، اجاره، ودیعه، امانت، انفاق افراد واجب‌النفسه، ازدواج، حجر و سرپرستی و غیره به مصادیقی از مسئولیت‌ها اشاره می‌نماید.

ه- ماده ۵۱۶ ق.م تعهدات متصدیان حمل و نقل اعم از راه زمینی، آبی و هوایی.

۳- قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۰۷ در ۱۶ ماده که به برخی دیگر از مصادیق مسئولیت اشاره داده، این قانون از حقوق خارجی اقتباس شده است.

۴- مواد ۵۲۲-۵۱۵ ق.آ.دم.

۱- مهمترین منابع در قسمت مسئولیت‌ها، الزامات حاصله بدون قرارداد و ضمان قهری عبارتند از:

۱- قانون اساسی:

این قانون، اصل مسئولیت اشخاص را پذیرفته، تقصیر مقصر و جبران زیان معنوی در مقابل زیان مادی را نیز مورد توجه قرار داد. به عنوان مثال در اصل ۱۷۱ ق.ا، هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر ضمانت شناخته شده است و الاً با احراز عدم قصور، پیش‌بینی شده که خسارت به وسیله دولت جبران شود.

۲- قانون مدنی:

مهم‌ترین و قدیمی‌ترین قانون موجود در ایران، ق.م است که خود شامل:

الف- مواد ۲۲۶ تا ۲۳۰ ق.م در خسارات ناشی از عدم انجام تعهدات.

ب- الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می‌شوند: (مواد ۳۰۱ تا ۳۰۶) شامل قواعد تصرفات بدون استحقاق و دارا شدن غیرعادلانه، ایفای ناروا و اداره مال غیر.

ج- ضمان قهری مواد ۳۰۷ تا ۳۳۷ ق.م شامل غصب (حقیقی و حکمی)، اتلاف (از بین بردن مال دیگری به صورت مباشرتی)، تسبیب (از بین بردن مال با واسطه) و استیفاء (استفاده از کار یا مال دیگری بدون وجود رابطه حقوقی)

د- علاوه بر موارد فوق که منحصر به مسئولیت و ضمان می‌باشد، در سایر قسمت‌ها نیز مانند بیع، اجاره، ودیعه، امانت، انفاق افراد واجب‌النفسه، ازدواج، حجر و سرپرستی و غیره به مصادیقی از مسئولیت‌ها اشاره می‌نماید.

ه- ماده ۵۱۶ ق.م تعهدات متصدیان حمل و نقل اعم از راه زمینی، آبی و هوایی.

۳- قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۰۷ در ۱۶ ماده که به برخی دیگر از مصادیق مسئولیت اشاره داده، این قانون از حقوق خارجی اقتباس شده است.

۴- مواد ۵۲۲-۵۱۵ ق.آ.دم.



- تخریب اموال تاریخی و فرهنگی ماده ۵۵۸ و ۶۷۰ به بعد ق.م.ا. (جعفرزاده، علی، الزامات بدون قرارداد و ضمان قهری، ج ۱، صص ۲۵-۲۳. با اندکی تصرف)

■ ۲- با اینکه نویسندگان ق.م.ا. ادعا می‌کردند که ق.م.ا. را تکمیل ساخته‌اند، ماده ۱ ق.م.ا. مبنای مسئولیت مدنی را به سود «تظریه تقصیر» تغییر داد. بدین ترتیب، مسئولیت مدنی بر مبنای تقصیر استوار است زیرا در مقام بیان قاعده کلی، قانون مقرر داشت که ورود ضرر به دیگری باید در نتیجه عمد یا بی‌احتیاطی صورت گیرد. ولی، پرسشی که هنوز پاسخ قطعی نیافته این است که آیا با تصویب مسئولیت مدنی، تقصیر مبنای منحصر مسئولیت مدنی است و قوانین مخالف با آن نسخ ضمنی شده است، یا ماده ۱ تنها اصل را بیان می‌کند و مسئولیت‌های نوعی دیگر نیز، به عنوان استثنایی بر اصل، باقی مانده است؟ این پرسش بیشتر در مورد نسخ ائتلاف غیرعمدی بین نویسندگان و استادان مطرح است. برخی از آنان اعتقاد دارند که ماده ۱ ق.م.ا. قواعد ائتلاف را نسخ ضمنی کرده است، زیرا رابطه علیت عملی بین کار شخص و تلف مال را کافی نمی‌داند و تقصیر یا شرط ایجاد مسئولیت می‌شمارد. پس، با قاعده ائتلاف، به ویژه در موردی که به طور غیرعمدی انجام می‌شود، تعارض دارد و چون قانون جدیدتر است قواعد پیشین مخالف را نسخ می‌کند. (امیری قائم‌مقام، عبدالمجید، حقوق تعهدات، ج ۱، ص ۲۱۵. صفایی، سید حسین، حقوق مدنی، ج ۲، ص ۵۴۳. - شرح و نقل از: کانون‌زبان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: (ضمان قهری)، ج ۸، ش ۸۵، صص ۲۲۱-۲۲۰)

۵- ق.ا.د.ک.

۶- ق.م.ا.

۷- قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی که در مقابل شخص ثالث که مسئولیت دارنده را ناشی از فعل یا تقصیر او نمی‌داند و آیین‌نامه اجرایی آن (استنکاف از رسیدگی به دعوی)

۸- برخی مقررات که به صورت پراکنده در قوانین دیگر پیش‌بینی شده است و هر روز بر شمار این قبیل مقررات افزوده می‌گردد مانند:

- تقصیر وکیل (مواد ۲۲۰ و ۲۲۵ ق.م.) و قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۱۶ و سایر قوانین مصوب بعدی در همین راستا.

- تقصیر پزشکان و حرفه‌های مرتبط با پزشکی وفق مواد ۵۹، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۲ ق.م.ا. و سایر مقررات اجتماعی.

- تقصیر ورزشکاران وفق بند ۵۹ ق.م.ا. [سابقاً] مصوب ۱۳۷۰ و سایر مقررات حرفه‌ای و مصوبات بعدی.

- تقصیر سازندگان و تولیدکنندگان در صورت وجود عیب و نقص (ماده ۳۳۳ ق.م.)، قانون نظام معماری و ساختمانی مصوب ۱۳۵۲ و آیین‌نامه اجرایی آن.

- قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴.

- قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶.

- قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی ۱۳۶۷.

- قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۰۸ (تبصره ماده ۵، تبصره ۱ ماده ۱۲، تبصره ۳ ماده ۱۴، ماده ۳۱ و تبصره ۳ آن).

است، آنگاه می‌توان قایل به این شد که در حقوق موضوعه ایران نظریه تقصیر مبنای عام مسئولیت مدنی است. اما مطالب آن این سوال نیز مطرح می‌شود که آیا این عام، دچار تخصیص شده است یا خیر؟ به نظر می‌رسد در پاره‌ای از موارد قانون‌گذار به دلیل وجود پاره‌ای از مصالح، از نظریه عدول کرده است و نظریه خطر را به عنوان مبنای مسئولیت پذیرفته است. به عنوان مثال، در مقررات مربوط به غصب در ق.م. (مواد ۳۰۸ تا ۳۲۷) مسئولیت غاصب در برابر مالک با نظریه خطر قایل توجیه است. زیرا وی بر اساس قاعده ضمان ید، در برابر مالک مسئول است، حتی اگر تلف شدن مال مغسوب، به فعل او استناد نداشته باشد. همچنین مسئولیت کارفرما در برابر ثالث زیان‌دیده، با نظریه خطر قایل توجیه است. زیرا کارفرما حتی اگر مقصر هم نباشد، مسئول جبران زیان‌هایی است که کارگان تحت امر او به اشخاص ثالث وارد کرده‌اند. (ماده ۱۲ ق.م.م) بنابراین، به عنوان نتیجه می‌توان گفت، در حقوق ایران، به مانع اصلی آنکه که در فقه اسلامی بیان گردید، مبنای عام مسئولیت مدنی، همان نظریه تقصیر است. در تمامی مواردی که نظریه تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت پذیرفته شده است، ضرر وارده به عامل زیان استناد دارد. یعنی بین فعل عامل زیان و ضرر وارده، «رابطه سببیت عرفی» برقرار است. البته در موارد استثنایی، به دلیل وجود مصالحی، قانون‌گذار از نظریه خطر پیروی کرده است. در این موارد ضرر وارده، عرفاً، فعل کسی که مسئول شناخته می‌شود، استناد ندارد. یعنی بین فعل عامل زیان و ضرر وارده، رابطه سببیت عرفی برقرار نیست. بلکه به «حکم قانون‌گذار» میان فعل عامل زیان و ضرر وارده

۳- نسبت ماده ۱ ق.م.م و ماده ۳۲۸ ق.م.م به عقیده برخی استادان حقوق، عموم و خصوص مطلق است. این نظر در صورتی قابل تأیید است که در جملات وصفیه اصولی، وصف قید حکم باشد نه آن‌گونه که متأخران گفته‌اند قید موضوع؛ لیکن اگر وصف قید موضوع باشد در این صورت رابطه میان ماده ۱ ق.م.م و ماده ۳۲۸ ق.م.م خاص من وجه خواهد بود؛ از یک جهت ماده ۱ عام است چون هم شامل خسارات مادی و هم خسارات معنوی می‌شود؛ در حالی که ماده ۳۲۸ تنها شامل خسارات مادی می‌گردد. از جهت دیگر ماده ۳۲۸ عام است، زیرا فرد اعم از اینکه تقصیر کرده یا نکرده باشد، مطابق این ماده ضامن است. در حالی که ماده ۱ ق.م.م تنها در برگیرنده مواردی است که شخص مرتکب تقصیر شده باشد. برای تخصیص علاوه بر وجود رابطه عام و خاص مطلق یک شرط دیگر نیز لازم است و آن تساوی دو حکم از جهت سلب و ایجاب است. ظاهر ماده ۱ ق.م.م و ماده ۳۲۸ ق.م.م با هم منافات ندارند، لیکن اگر از یکی از دو ماده مفهوم مخالف بگیریم، مفهوم آن با ماده دیگر منافات خواهد داشت. البته جملات وصفیه مطابق نظر متأخران اصولی، مفهوم مخالف قابل استناد ندارند، ولی متقدمان چون وصف را قید حکم می‌دانند، مفهوم مخالف وصل را دارای حجیت به شمار می‌آورند. (صفایی سید حسین؛ رحیمی، حبیب‌الله؛ مسئولیت مدنی، ج ۷، پاورقی ص ۸۳)

۴- اگر تعارض ظاهری میان ماده ۱ ق.م.م و مواد ۳۲۸، ۳۳۱ و ۳۳۲ ق.م.م رفع گردد و پذیرفته شود در هر دو قانون، قانون‌گذار تقصیر را به عنوان مبنای مسئولیت مدنی پذیرفته



۱- عنوانی که بر مجموع عمد و بی‌احتیاطی صادق است *faute* (تخطی) است. تعریف *faute* عبارت است از صفت عملی -اعم از فعل یا ترک- که بر آن یک اثر (از نوع مواخذه) مترتب گردد؛ خواه از جنس مدنی یا از جنس کیفری یا انضباطی باشد.

ماده ۲۰۲۹ ق.م.ا.ت.س. در تعریف *faute* می‌گوید: عمل مذکور ممکن است عمدی باشد یا عمدی نبوده و ناشی از بی‌احتیاطی بوده باشد. به این ترتیب بسیار روشن است که ترجمه *faute* (در ماحن‌فیه) به تقصیر و یا خطا از افراط فاحش است زیرا تقصیر و خطا در زیان حقوقی تمام مسلمین مختص مفهومی است که در مقابل مفهوم عمد قرار می‌گیرد و حال اینکه در باب مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه کلمه *faute* در مفهومی عام که شامل عمد و بی‌احتیاطی است به کار رفته است و استعمالات ذیل این نظر را اثبات می‌کند:

الف: *faute Controvenuelle* (بعضی از مولفان آن را به خطای عقلی ترجمه کرده‌اند)  
ب: *faute intentionnelle* به نظر می‌رسد که تنها کلمه‌ای که مفهوم را در مدنی برساند کلمه «تخطی» است که شامل تخطی عمدی و تخطی از روی بی‌احتیاطی می‌باشد. کلمه «تجاوز» چون ظهور در فعل عمدی دارد نمی‌توان از آن استفاده کرد.

۲- هر یک از دو ماده ۳۲۸ و ۳۳۱ علاوه بر اینکه شامل مورد عمد و بی‌احتیاطی می‌باشد شامل موردی که عمد و بی‌احتیاطی وجود ندارد ولی فعل ضرری منتسب به فاعل، وجود پیدا می‌کند نیز می‌باشند مثلاً اگر کسی در حال خواب روی ظروف کسی بیفتد و آنها را بشکند چون فعل افتادن در حال خواب فعل او محسوب

رابطه سببیت برقرار است که از این رابطه سببیت، به «رابطه سببیت قانونی» یاد می‌شود. (حیاتی، علی عباس، مسئولیت مدنی، ج ۱، صص ۷۳-۷۲)

۵- آنچه قانون‌گذار در ماده ۱ ق.م.م. به صراحت اعلام کرده است با قاعده اتلاف تعارض ندارد و تنها مفهوم مخالف آن دلالت دارد که مسئولیت بدون تقصیر را نباید پذیرفت. پس، این پرسش هنوز باقی است که آیا هدف قانون‌گذار این بوده که هرگونه مسئولیت عینی را ممنوع سازد، یا می‌خواسته مسئولیت ناشی از تقصیر را قاعده قرار دهد؟ احتمال نخست به شدت مورد تردید است، زیرا مجید به نظر می‌رسد که چنین متنی بتوان نسیم قواعدی را که در غصب و اتلاف و امانات و عقود معین وجود دارد یکباره از بین برد و اعتقاد به چنین نسخی نظام حقوقی ما را در بسیاری از زمینه‌ها در هم می‌ریزد.

وائنگهی، قواعد اتلاف از نظر موضوع در برابر ق.م.م. خاص است. زیرا، ماده ۳۲۸ ق.م. ناظر به تلف مستقیم مال است، ولی ماده ۱ ق.م.م. به تلف مستقیم و با واسطه مال و همچنین لطمه به جان و سلامت و حیثیت و همه حقوق مالی و معنوی دیگر نظارت دارد. هرگاه تعارض بین قانون خاص قدیم و عام جدید وجود داشته باشد، اصل این است که عام ناسخ نمی‌شود. (کائوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، ش ۱۴۶ - مولف پیشین، وقایع حقوقی، مسئولیت مدنی، ج ۴، صص ۳۴-۳۳)

۶- پرسش این است که آیا ماده ۱ ق.م.م. مختص مواد ۳۲۸-۳۳۱ ق.م. است؟ در مورد این ماده باید دانسته باشیم که:

خسارت است و ماده ۱ ق.م.م.ص ۱۳۳۹ ناسخ ماده ۳۲۸ ق.م. نیست زیرا اظهار تهیه کننده لایحه مذکور (شعر بر اراده نسخ ماده مذکور از ق.م) کافی در ناسخ بودن نیست بلکه اراده تصویب کنندگان آن لایحه در مجلس معتبر است و بدست آوردن این اراده و احراز آن میسر نیست و مصلحت جامعه ایرانی هم در نسخ آن نمی‌باشد. (امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۱، ص ۲۵، ۵۷۴)

۸- نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد، همیشه اثر اکراه و اضطرار در مسئولیت مدنی با آزادی اراده همراه بوده است. هر عاملی که این اراده را مخدوش نماید، مرتکب دارای اراده معیوب از مسئولیت به طور کلی می‌راند. مبنای معاقبت از مسئولیت مدنی (ضمان قهری) در حقوق اسلامی حدیث رفع می‌باشد، که از جمله آن عوامل معاف کننده، اکراه و اضطرار می‌باشد. اکراه به دلایل ذیل مسقط ضمان قهری است:

- ۱- تقصیری که مبنای ق.م.م است برای او مشهور نیست.
- ۲- در اکراه قوی بودن سبب از مباشر صادق است. ضمان تقصیری مباشر و مسبب به لحاظ عدم وجود رابطه سببیت پذیرفته نمی‌باشد.
- مضطرب نمی‌تواند با استناد به اضطرار از خود رفع مسئولیت کند، زیرا اولاً، حدیث رفع امتناعی برامت است و هرگونه عمل خلاف مقتضای حدیث، باعث مشقت امت است و مردود. ثانیاً، قاعده کلی «من ائلف مال الغیر فهو له ضامن» مصرح در ق.م، آن را شامل می‌شود. ثالثاً، به عقیده حقوق دانان، مضطر به جهت ملالت بدون سبب، مسئول جبران خسارت وارده بر متضرر می‌باشد و ماده ۱ ق.م.م.ص ۱۳۳۹، ناسخ

است باید خسارت بدهد بنابراین ممکن است نه عمد و نه بی‌احتیاطی صورت گرفته باشد و مع ذلک ماده ۳۲۸ عمل را موجب مسئولیت فاعل آن می‌داند ولی ماده ۱ ق.م.م شامل چنین عملی نیست. از این گذشته ممکن است مفهوم مخالف ماده ۱ ق.م.م (اگر این مفهوم مخالف مسلم باشد و وجودش محل تردید نباشد) عمل مذکور را موجب مسئولیت نداند. مفهوم مخالف مزبور از جهات ذیل قابل تمسک نیست.

۱- مفهوم مخالف ظهور مفهوم وصف است و در علم اصول مفهوم مذکور را از مفاهیم ضعیف و غیرقابل استناد می‌دانند.

۲- منطوق ماده ۳۲۸ و ماده ۳۲۹ معارض با مفهوم مخالف مذکور است و در معارض منطوق با مفهوم، جانب منطوق مقدم است.

۳- در مقام شک در تخصیص و تقیید متداول یک قانون، اصل عدم تخصیص و اصل عدم تقیید است.

۴- ذکر ماده ۱ ق.م.م در تاریخ موخر بر تصویب مواد ۳۳۱-۳۲۸ از باب ذکر خاص بعد از عام است و بسیار دیده شده است که ذکر خاص پس از عام به منظور تخصیص نبوده بلکه برای بیان نکات و مزایای دیگری است که در قانون خاص وجود دارد بدیهی است ق.م.م دارای مزایایی است که در باب اتلاف و تسبیب ق.م دیده نمی‌شود. (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، شرط عدم مسئولیت، سال ۱۳۴۴)

۷- «افعال مادی» به افعالی اطلاق می‌گردد که ترتیب آثار حقوقی بر آنها ربطی به میزان بستگی آن افعال با اندیشه و قصد و ادراکات فاعل آنها ندارد مانند اتلاف که حتی بدون عمد در قانون مدنی ایران موجب تکلیف به دادن

تسبیب را نسخ نکرده است بنابراین در قانون ایران در مورد اتلاف و نقص و عیب مال غیر، لزوم نظریه خطر و علت پیروی شده است و در مورد خسارت و اراده به حقوق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده از نظریه تقصیر متابعت به عمل آمده است. (مؤلف پیشین، دوره الزام‌های خارج از قرارداد، ج ۱: ضمان قهری، ج ۸، ش ۸۵، ص ۲۲۲)

■ ۱۱- نظریه اعمال قانون محل وقوع فعل زیان‌بار که از آن به عنوان نظریه سنتی تعارض قوانین در تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی یاد می‌شود، به عنوان قاعده عام، در بسیاری از کشورها پذیرفته شده است.

بر طبق عقیده غالبی که در نزد حقوق‌دانان و رویه قضایی بسیاری از کشورها رواج دارد، در خصوص تقصیر و خطاهایی که منجر به ورود خسارت به دیگری می‌شود، قانون محلی اعمال می‌شود که فعل یا ترک فعل موضوع دعوا در آنجا ارتکاب یافته است. بدین ترتیب مسئولیت مدنی به طور کلی تحت حکومت قانون محلی است که فعل زیان‌بار در آنجا به بار آمده و دارا شدن غیر عادلانه، اجای ناهوا و اداره امور غیر، تحت حاکمیت قانون محلی است که این اقدامات در آن انجام گرفته.

بر طبق این نظریه، قانون محلی که حادثه و اقدام زیان‌بار در آن صورت گرفته، شرایط، حدود و آثار دعوای مسئولیت مدنی و نیز میزان و شیوه جبران خسارت را مشخص می‌کند. بنابراین اگر یک فرد تبعه کشور (الف) که اقامتگاه و محل سکونت وی در همان کشور است، بر اثر تقصیر یا بی‌مبالاتی در رانندگی وسیله نقلیه در کشور (ب)، موجب تصادف متعرج به ورود خسارت به خواهان دعوا شود، به عنوان

ماده ۳۲۸ ق.م.نست بنابراین مسئولیت کیفری برای عامل مضطر متصوّر نیست. (پورعباسی، قاسم‌علی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع): نقش اکراه و اضطرار در مسئولیت مدنی خارج از قراردادها، ص چکیده، استاد راهنما: دکتر حسین مهرپور، استاد مشاور: دکتر اسدالله امامی، ۱۳۷۵)

■ ۹- قواعد اتلاف از نظر موضوع در برابر ق.م.ن خاص است، زیرا، ماده ۳۲۸ ق.م.ناظر به تلف مستقیم مال است، ولی ماده ۱ ق.م.ب به تلف غیرمستقیم و با واسطه مال و همچنین لطمه به جان و سلامت و حیثیت و همه حقوق مالی و معنوی دیگر نظارت دارد. می‌دانیم که هوکاه تعارض بین قانون خاص قدیم و عام جدید وجود داشته باشد، اصل این است که عام تا نسخ خلص نمی‌شود (کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، ش ۱۴۶) و این تعبیر با تصویب ق.ب.ا.م. در سال ۱۳۴۷ در بحث ما نیز تأیید شد. (مؤلف پیشین، وقایع حقوقی، ج ۱۲، ش ۱۹، صص ۳۳-۳۴) واتگهی، بر مبنای اصل چهارم ق.ا. جمهوری اسلامی ایران، در این‌گونه تفسیرها راه‌حلی ترجیح دارد که نتیجه آن با حقوق اسلام سازگار باشد و برای مثال، قاعده اتلاف را نسخ نکند. (مؤلف پیشین، وقایع حقوقی، ج ۱۲، ش ۱۹، صص ۳۳-۳۴)

■ ۱۰- ق.م.ن نسبت به مواد مربوط به تسبیب مذکور در ماده ۳۳۱ ق.م. و ما بعد آن به اعتبار موضوع اعم است، زیرا ماده اخیر پیرامون تلف مال است و ق.م.ن چنان که در ماده ۱ آن تصریح شده است پیرامون هر حقی می‌باشد که به موجب قانون برای افراد شناخته شده است. ق.م.ن مواد ۳۲۵-۳۲۸ ق.م.پیرامون اتلاف و



دیوان عالی کشور، در مقدمه توجیهی و در قسمت اسباب رأی، با به کار بردن الفاظ و عبارات عام، به طور قطعی رویه قضایی را به سمت پذیرش این نظریه متمایل نموده است:

جهت حاکمیت سرزمینی و اصل سرزمینی بودن قوانین است. برای بسیاری از حقوق دانان این امر کاملاً طبیعی است. قانون محلی که حادثه و واقعه زیان بار در آن روی داده، تنها قانونی است که می‌تواند آثار حقوقی و الزامات قانونی را بر آن بار کرد و عامل و سبب آن را ملزم به جبران خسارت نمود. زیرا قوانین عموماً سرزمینی هستند و ساکنان هر کشوری، کمابیش، احساس روشنی به اصل سرزمینی بودن قوانین دارند.

به همین دلیل جز در شرایط و اوضاع و احوال غیرعادی، حادثه‌ای که اتفاق می‌افتد تعادل و توازن متعارف و مطلوب سیستم حقوقی مسئولیت مدنی همان محل را بر هم می‌زند و انتظار می‌رود که قانون همانجا، نخستین قانونی باشد که در مقابل حادثه، واکنش نشان دهد و رزش‌ها و اولویت‌های آن جامعه را حفظ کند. به علاوه امروز در برخی از کشورها، مقرراتی وجود دارد که تمام مسئولیت‌ها و تعهدات به وجود آمده بر اثر تصادفات وسایل نقلیه را برعهده دارنده آن وسیله قرار می‌دهد و راننده‌ای که خودرو به او سپرده شده، در ابتدا هیچ مسئولیتی ندارد. هدف این نوع مقررات آن است که دارندگان وسایل نقلیه ملزم به رعایت دقت و مراقبت مقتضی شوند تا وسیله مزبور را در اختیار رانندگان فاقد صلاحیت و غیرمتمتعذ قرار ندهند.

۲- برخی دیگر معتقدند که هرگاه یک فعل زیان بار، که منتهی به ضرر دیگری شده، در قلمرو یک کشور رخ داده و به بیانی دیگر، یک عنصر خارجی دارد، چنین فعل یا ترک فعلی

یک قاعده کلی و برحسب این نظریه، رانندگی خاطی مسئول کلیه عواقب ناشی از تقصیر و بی‌مبالایی خویش است. البته مشروط بر اینکه قوانین کشور (ب)، چنین فعلی را قابل تعقیب دانسته باشد؛ به علاوه صرفاً تا همان حدودی که قوانین این کشور خسارت را قابل جبران بدانند و برای راننده، مسئولیت قائل شوند.

قاعده قانون محلی نه تنها در کشورهای اروپایی، بلکه فراتر از مرزهای آن قاره طرفدارانی پیدا کرده است.

کشور انگلیس که برای مدت زمان طولانی از نظریه تلفیقی قانون مقر دادگاه و قانون محل وقوع فعل زیان بار پیروی می‌کرد، امروزه به موجب بند ۱ ماده ۱۱ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی مصوب ۱۹۹۵، آن نظریه را به کار گرفته و اصل حکومت قانون محل وقوع فعل زیان بار را پذیرفته است. این نظریه نه تنها در قوانین داخلی و رویه قضایی کشورها پذیرفته شده، بلکه در کنوانسیون‌های لاهه نیز به ویژه در ماه ۳ کنوانسیون مربوط به قانون حاکم در تصادفات ناشی از حمل و نقل مصوب ۴ مه ۱۹۷۱ و نیز ماده ۴ کنوانسیون مربوط به قانون حاکم بر مسئولیت ناشی از محصولات تولیدی مصوب ۲ اکتبر ۱۹۷۳، اصل صلاحیت قانون محل وقوع فعل زیان بار، پذیرفته شده است.

دلایل:

طرفداران این نظریه برای توجیه آن، دلایل متعددی اقامه کرده‌اند که به ذکر برخی از آنها می‌پردازیم:

۱- اعمال قانون محل وقوع فعل زیان بار به عنوان قانون حاکم بر مسئولیت مدنی، در در حقوق فرانسه نیز، حقوق دانان این کشور معتقدند که رأی ۲۵ مه ۱۹۴۸ شعبه مدنی